دو اهرم خروج از کشاورزی سنتی؛

افزایش سرمایه‌گذاری و نفوذ دانش به مزرعه

صادرات باید فصل‌الخطاب حوزه کشاورزی باشد

سپهرغرب، گروه کشاورزی – طاهره ترابی‌مهوش: در گفت‌وگو با دانش‌آموخته دکتری اقتصاد کشاورزی مشخص شد؛ افزایش سرمایه‌گذاری و نفوذ دانش به مزرعه دو اهرم خروج از کشاورزی سنتی در ایران است.

با توجه به پیشرفت دانش و لزوم تأمین نیازهای بشر، لزوم بیرون رفتن از کشاورزی سنتی و گرایش به مکانیزاسیون کشاورزی هر روز بیشتر حس می‌شود. در این بین از نکات مهم در رابطه با کشاورزی در ایران، سنتی بودن بخش قابل توجهی از آن است. این شیوه کشاورزی علاوه بر کاهش میزان تولید، باعث ایجاد خساراتی در محیط زیست خصوصاً منابع آب زیرزمینی و خاک شده است. از طرفی این نوع کشاورزی علاوه بر اینکه بازدهی زیادی ندارد می‌تواند تولید محصولات را در آینده با مشکلات بسیاری روبه‌رو کند.

با این حال شاید باورکردنی نباشد اما همچنان بخش اعظمی از کشاورزی در کشور به‌صورت سنتی انجام می‌شود؛ بدان معنا که کشاورزی سنتی باوجود اجرای طرح‌های مختلف همچون اجرای الگوی کشت و یا گسترش مزارع گلخانه‌ای و غیره هنوز نتوانسته جای خود را به‌طور کامل به کشاورزی مدرن بدهد اما نکته حائز اهمیت اینکه در سالیان آینده کشاورزان چاره‌ای به‌جز کشاورزی به روش مدرن نخواهند داشت.

چراکه جمعیت روزبه‌روز در حال افزایش است و به همین دلیل نیاز به محصولات غذایی نیز به تبع آن افزایش پیدا خواهد کرد، از طرفی شرایط اقلیمی و خشک‌سالی‌های پی در پی نیز باعث شده بخش اعظمی از اراضی بهره‌وری لازم را نداشته باشند، در حالی که به‌دلیل کمبود منابع طبیعی، نمی‌توان مزارع را گسترش داد.

بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع برآن شدیم تا در این باره با حامد نجفی علمدار؛ دانش‌آموخته دکتری اقتصاد گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه به‌صورت پرسش و پاسخ می‌خوانید:

■ طی سال‌های اخیر، یکی از موضوعاتی که همواره از سوی کارشناسان کشاورزی مطرح می‌شود، مبحث لزوم مدرن‌سازی این بخش و استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین است اما پرسش این است که چرا با وجود این شعارها، پیگیری‌ها و اقداماتی که در فضای کشاورزی کشور، به‌ویژه در روستاها، انجام شده، همچنان روند غالب کشاورزی ما سنتی باقی مانده؟ چرا با وجود اجرای طرح‌هایی نظیر توسعه گلخانه‌ها، تغییر الگوی کشت و غیره هنوز نتوانسته‌ایم یک کشاورزی مدرن و مؤثر را که درخورِ جایگاه اقتصادی روستاها باشد، پایه‌گذاری کنیم؟

اینکه بگوییم کشاورزی ما کاملاً سنتی است، شاید گزاره دقیقی نباشد زیرا واقعیت این است که کشاورزی ما در حال گذار از سنتی به مدرن است. اگر بخواهیم نگاهی واقع‌بینانه داشته باشیم، می‌توان گفت این فرایند «گذار» در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ با سرعت بیشتری در حال انجام بوده؛ برای نمونه، توسعه سیستم‌های نوین آبیاری در آن زمان سرعت خوبی داشت و هر ساله سطوح قابل‌توجهی تحت پوشش قرار می‌گرفت اما از سال‌های ۹۰ و ۹۱ به بعد، به‌دلیل تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیز مانند دیگر بخش‌ها، دچار رکود شد.

تأسف‌بارتر اینکه در برخی سال‌ها، حتی سرمایه‌گذاری به اندازه‌ای نبود که بتواند هزینه‌های جاری را جبران کند، همین موضوع باعث شد روند گذار از کشاورزی سنتی به مدرن کند شود.

نکته دوم اینکه بخش کشاورزی بسیار متنوع است؛ برای مثال، در حوزه پرورش مرغ، نمی‌توان گفت ما کاملاً سنتی عمل می‌کنیم چراکه حتی در برخی موارد، خیلی هم از رقبای جهانی عقب نیستیم و یا اینکه در حوزه پرورش دام سنگین نیز، ایران یکی از رکورددارن تولید محسوب می‌شود اما در حوزه زراعت، به‌ویژه در محصولات اساسی مانند گندم، جو و ذرت، عملکرد ما با استانداردهای جهانی فاصله دارد ولی در مقابل، در برخی محصولات کشاورزی مانند سیب‌زمینی، پیاز و محصولات جالیزی، این فاصله فناورانه با کشورهای پیشرو بسیار کمتر است.

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان یک حکم کلی درباره کشاورزی ایران داد بدین معنا که کشاورزی سنتی و مدرن هر دو به‌نوعی در کشور وجود دارند و بسته به نوع محصول، سطح فناوری در آن‌ها متفاوت است.

■ ازجمله شاخص‌های کشاورزی سنتی در حوزه زراعت چیست؟

یکی از شاخص‌های مهم در سنتی بودن کشاورزی، شیوه‌ی آبیاری است چراکه بخش عمده‌ای از آب در زراعت هنوز هم عمدتاً به شیوه غرقابی استفاده می‌شود این یعنی در حوزه‌ی آبیاری، هنوز نیاز جدی به به‌روزرسانی فناوری داریم؛ مدل‌سازی و طراحی سیستم‌های نوین باید در این بخش انجام شود.

برای مثال، در استان همدان، یکی از محصولات مهم سیب‌زمینی است. در سال‌های اخیر، روش آبیاری آن تا حد زیادی تحت فشار شده (مانند آبیاری قطره‌ای)، اما در زمینه «بذر سیب‌زمینی» مشکل داریم؛ یعنی بذر مناسب و باکیفیت که به آن «سیب‌زمینی بذری» می‌گویند، به اندازه کافی تولید نمی‌شود و ما وابسته به واردات هستیم حال آنکه این تفاوت بذر باعث ایجاد اختلاف معناداری در عملکرد تولید نسبت به آنچه در خارج از کشور داریم، شده است.

■ چگونه می‌توان این نواقص را مرتفع کرد؟

در این مقوله دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و شرکت‌های دانش‌بنیان باید ورود و این خلأ را پر کنند زیرا این موضوع تنها مختص سیب‌زمینی نیست؛ در موارد دیگر مانند مرغ، انگور، گردو و دیگر محصولات باغی نیز مسائل خاصی وجود دارد که هر کدام باید جداگانه بررسی شوند.

پس درواقع می‌توان گفت آنچه باعث عقب‌ماندگی نسبی یا ناپیوستگی در فرآیند مدرن‌سازی کشاورزی می‌شود، مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، اقتصادی، فناورانه و مدیریتی است که باید به‌صورت جامع و هم‌افزا مورد توجه قرار گیرند.

■ چه عواملی باعث عقب‌ماندگی کشاوزی به‌ویژه در حوزه زراعت در عرصه استفاده از فناوری‌های نوین شده است؟

به‌نظر من دو عامل اصلی در عقب‌ماندگی کشاورزی ما مؤثر بوده‌اند؛ نخست کمبود سرمایه‌گذاری در این بخش و دیگری عدم ورود دانش و فناوری به مزارع.

این دو عامل به تأخیر در گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزی مدرن منجر شده و فرآیند نوسازی را با چالش مواجه کرده‌اند.

■ به‌نظر شما اگر این روند ادامه پیدا کند، کشاورزی سنتی در حوزه زراعت با چه پیامدهایی مواجه خواهد شد؟

نخستین پیامد آن، تهدید پایداری تولید است. ما نمی‌توانیم با روش‌هایی که مثلاً هزاران سال پیش اجداد ما برای آبیاری استفاده می‌کردند، همچنان ادامه دهیم چراکه این نه شایسته ماست، نه با تاریخ ما سازگای دارد. به‌عنوان مثال، در زمینه آبیاری باید به سمت توسعه سیستم‌های نوین برویم، درواقع چاره‌ای به‌جز استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار نداریم. (آب را مستقیماً به ریشه گیاه رسانده و از هدررفت آب جلوگیری می‌کنند.)

این اقدام نه‌تنها برای تولید فعلی بلکه برای حفظ منابع آبی برای نسل‌های آینده ضروری است. در خصوص پیگیری روند فعلی نیز باید بگویم اگر این روند را ادامه دهیم، تولید پایدار کشاورزی ما در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، ناچاریم سرمایه‌گذاری در این حوزه را از طرف دولت و بخش خصوصی افزایش دهیم؛ علاوه بر این باید نفوذ دانش و فناوری را در سطح مزرعه افزایش دهیم.

■ چرا طرح‌های اجراشده در عرصه مدرنیته کردن کشاورزی، آنگونه که باید موفق نبودند؟ در سال‌های اخیر اقداماتی مانند گسترش کشت گلخانه‌ای از سوی دولت انجام شده، اما محصولات تولیدی گلخانه‌ها عمدتاً صادر می‌شوند و نیازی از بازار داخلی را رفع نمی‌کنند. برای نمونه، سال گذشته ایران چهارمین صادرکننده بادمجان بود، اما قیمت این محصول در بازار داخلی بسیار بالا رفت. به‌نظر شما علت این ناهماهنگی بین تولید برای بازار داخلی و صادرات چیست؟

در حوزه کشاورزی مفهومی داریم به نام «برنامه‌ریزی تولید» که بر اساس این مفهوم سیاست‌گذار باید بتواند بر اساس زمان و مکان، تولید را طبقه‌بندی کند. یعنی دقیقاً بداند چه میزان از یک محصول که در منطقه‌ای خاص تولید می‌شود، باید به مصرف داخلی برسد و چه میزان به صادرات اختصاص یابد.

از طرفی دولت‌ها ابزارهایی مثل تعرفه‌ها و مشوق‌های صادراتی دارند. اگر زمانی تولید یک محصول از نیاز بازار داخلی فراتر رود و خطر ضرر برای تولیدکننده وجود داشته باشد، با مشوق‌های صادراتی می‌توان بخشی از آن را روانه بازارهای خارجی کرد و بالعکس، اگر محصولی در داخل کم باشد و قیمت آن برای مصرف‌کننده به‌شدت بالا رود، با استفاده از تعرفه‌های صادراتی می‌توان صادرات آن را محدود و تعادل بازار را حفظ کرد.

اما نکته مهم این است که صادرات باید فصل‌الخطاب سیاست‌های کشاورزی کشور باشد؛ یعنی اگر نگران تنظیم بازار داخلی هستیم، دو رویکرد وجود دارد توسعه انبارهای فیزیکی و دیگری استفاده از بازار صادراتی به‌عنوان نوعی انبار، به طوری که وقتی محصول مازاد داریم، آن را به خارج صادر کنیم و در زمان نیاز داخلی با استفاده از ابزارهای سیاسی، بخشی از آن را به بازار داخلی بازگردانیم.

این نوع سیاست‌گذاری شبیه یک ترموستات عمل می‌کند که می‌توان پیچ آن را سفت یا شل کرد تا به تعادل مطلوب برسیم.

البته همه این‌ها منوط به داشتن بازار صادراتی فعال است یعنی اگر بازار صادراتی نداشته باشیم، عملاً ابزاری برای کنترل قیمت‌ها نخواهیم داشت و افزایش قیمت یک محصول می‌تواند به بحران تبدیل شود.

از سوی دیگر، پایداری کشاورزی نیازمند برنامه‌ریزی هفتگی و مکانی دقیق است بدان معنا که باید در ساختار وزارتخانه یا معاونت مربوطه، داشبوردی برای تصمیم‌گیری ایجاد شود تا سیاست‌گذار بداند در هر فصل، در هر منطقه و در هر هفته با چه ابزارهایی مثل تعرفه یا مشوق صادراتی، بازار را مدیریت و امنیت غذایی کشور را حفظ کند.

معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزیر جهاد کشاورزی؛

بخش کشاورزی باید به سمت سودآوری و بهره‌وری حرکت کند

سپهرغرب، گروه کشاورزی: معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزیر جهاد کشاورزی با تشریح دلایل اقتصادی نبودن بخش کشاورزی کشور، گفت: پراکندگی زمین‌ها و غیرهدفمند بودن یارانه‌ها ازجمله عوامل غیراقتصادی بودن کشاورزی است، بر این اساس این بخش باید به سمت سودآوری حرکت کند تا تبدیل به مزیت رقابتی شود که البته قابل تحقق است.

اکبر فتحی روز شنبه اظهار کرد: کشاورزی ایران با وجود ظرفیت‌های بالای اقلیمی و منابع طبیعی، هنوز نتوانسته به بهره‌وری و اقتصادی‌سازی مطلوب دست یابد در حالی که برخی از کشورهای موفق به‌ویژه در اروپا با مدیریت علمی، فناور محور و برنامه‌ریزی دقیق، کشاورزی خود را به یکی از سودآورترین بخش‌های اقتصاد تبدیل کرده‌اند.

وی در تشریح دلایل عدم دستیابی کشاورزی ایران به بهره‌وری و اقتصادی‌سازی (سودآوری) گفت: متوسط مساحت زمین‌های کشاورزی در ایران حدود پنج هکتار است، در حالی که این رقم در فرانسه به ۵۵ هکتار و در آلمان به ۶۰ هکتار می‌رسد، بنابراین پراکندگی زمین‌های کشاورزی را می‌توان یکی از دلایل مهم غیراقتصادی بودن مکانیزاسیون و مدیریت علمی دانست.

■ بازدهی آبیاری در کشاورزی ایران ۱۵ درصد پایین تر از متوسط جهانی

معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به پایین بودن بازدهی آبیاری در ایران، افزود: بازدهی آبیاری در کشور بین ۳۵ تا ۴۰ درصد بوده که از متوسط جهانی آن با ۵۵ درصد و کشوری مثل هلند با ۸۵ درصد بازدهی، شرایط نامطلوبی دارد.

فتحی تأکید کرد: سهم آب تجدیدپذیر اختصاص یافته به کشاورزی در ایران بسیار بالا و حدود ۸۰ درصد است درحالی که اروپا کمتر از ۵۰ درصد آب تجدیدپذیر خود را به بخش کشاورزی اختصاص می‌دهد.

■ تفاوت ۲۵ درصدی سهم ضایعات کشاورزی ایران در مقایسه با اروپا

وی با بیان اینکه سهم ضایعات محصولات کشاورزی ایران بین ۳۰ تا ۳۵ درصد و در اروپا فقط بین پنج تا ۱۰ درصد است، اظهار کرد: سهم صنایع تبدیلی در ارزش افزوده کشاورزی ایران بسیار پایین و در حد ۱۵ درصد است در حالی که این رقم برای کشوری مثل هلند به ۶۰ درصد می‌رسد.

■ نظام یارانه‌های غیرهدفمند مثل یارانه آب و کود موجب اسراف منابع شده‌اند

وی، نظام یارانه‌های غیرهدفمند مثل یارانه آب و کود که موجب اسراف منابع شده‌اند را یکی از دلایل مهم وضعیت نامطلوب کشاورزی ایران عنوان کرد و گفت: یارانه‌ها در اروپا مشروط به رعایت استانداردهای زیست محیطی و بهره‌وری هستند.

معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزیر جهاد کشاورزی به نمونه‌های موفق کشاورزی در اروپا اشاره کرد و افزود: کشور هلند با وجود تراکم جمعیتی بالا، بهره‌وری آب کشاورزی آن ۸۵ درصد است که راهکار رسیدن به این شرایط در سیستم آبیاری زیرسطحی و پایش لحظه‌ای رطوبت خاک است که بر اساس این الگو، ما نیز می‌توانیم پروژه‌های آزمایشی را در استان‌های مختلف مثل اصفهان و کرمان اجرا کنیم.

فتحی ادامه داد: در کشور آلمان نیز ۷۰ درصد تولید شیر توسط تعاونی‌های کشاورزی با قراردادهای بلندمدت توزیع می‌شود که مزیت این اقدام، تضمین بازار و قیمت برای کشاورز است و این الگو می‌تواند با اجرای طرح‌های پیوند صنعت و کشاورزی مثل قرارداد پشتیبانی کشت چغندر با کارخانه‌های قند در کشور ما نیز اجرایی شود.

وی گفت: ۸۰ درصد کود مصرفی در کشور دانمارک از بیوگاز و بازیافت ضایعات کشاورزی تأمین می‌شود که در این راستا می‌توانیم نیروگاه‌های بیوگاز در مجاورت دامداری‌های صنعتی احداث کنیم که البته الگوی موفقی از این طرح نیز در استان مازندران داریم.

این مقام مسئول اظهار کرد: در کشور فرانسه از ربات‌های برداشت میوه (مانند ربات Strawberry Picker) استفاده می‌شود که باعث کاهش هزینه نیروی کار تا ۴۰ درصد شده است و برای اجرایی کردن این الگو در ایران می‌توان سامانه Farm Management Software را در کشت‌های گلخانه‌ای ایران مستقر کرد.

■ نقشه راه بهبود وضعیت کشاورزی در ایران

فتحی به نقشه راه پیشنهادی برای بهبود وضعیت کشاورزی ایران اشاره کرد و افزود: برای بهبود بهره‌وری آب، در کوتاه‌مدت می‌توان کنتورهای هوشمند آب در دشت‌های ممنوعه نصب کرد و برای بلندمدت نیز به توسعه کشت‌های هایدروپونیک (آبکشت که خاک در آن به‌کار نمی‌رود) در ۲۰ درصد مزارع روی آورد.

وی ادامه داد: برای توسعه زنجیره ارزش نیز ایجاد ۱۰ قطب صنایع تبدیلی در استان‌های شمالی در کوتاه‌مدت و راه‌اندازی بورس محصولات کشاورزی در بلندمدت پیشنهاد می‌شود و در حوزه بازارهای صادراتی نیز دریافت گواهی‌های بین‌المللی برای زعفران و پسته و ایجاد برند ملی برای پنج محصول راهبردی می‌تواند راهگشا باشد.

معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزیر جهاد کشاورزی نقطه قوت اقتصاد کشاورزی ایران را تنوع اقلیمی (کشت چهار فصل) و نیروی انسانی جوان و نقطه ضعف آن را نظام توزیع نهاده‌ها و بازار غیرشفاف نام برد که در این راستا تقاضای جهانی برای محصولات ارگانیک و سوپرفودها (مانند زعفران و انار) یک فرصت و تشدید تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آب زیرزمینی یک تهدید است.

فتحی افزود: راه‌حل نهایی برای بهبود وضعیت اقتصاد کشاورزی، ترکیب فناوری اروپایی با مزیت‌های بومی مثل استفاده از گلخانه‌های هوشمند هلندی در مناطق کویری ایران است و تحلیل‌ها در این راستا نشان می‌دهد که اقتصادی کردن کشاورزی ایران، نه‌تنها ممکن است بلکه با برنامه‌ریزی فناورانه می‌تواند به مزیت رقابتی ملی تبدیل شود.

«کشاورزی در شهر» نسخه جدید درآمدزایی دلاری

سپهرغرب، گروه کشاورزی: گسترش کشاورزی شهری در شهرهای ایران می‌تواند نه‌تنها نیاز کامل کشور به محصولات کشاورزی را تأمین کند، بلکه با جلوگیری از خروج سالانه ۱۶ میلیارد دلار ارز،رقمی نزدیک به نیمی از درآمد نفتی ۳۵ میلیارد دلاری ایران، به تقویت امنیت غذایی و حفظ منابع ارزی کشور کمک کند.

کشاورزی شهری یکی از راهکارهای نوین تأمین امنیت غذایی، نقش مهمی در کاهش وابستگی به واردات مواد غذایی و مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی ایفا می‌کند. براساس گزارش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO)، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از تولیدات غذایی جهان از طریق کشاورزی شهری تأمین می‌شود، درحالی‌که کشورهای پیشرو مانند چین، آمریکا، هلند و ژاپن سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در این بخش انجام داده‌اند.

ایران سالانه ۲۶ میلیون تن به ارزش ۱۶ میلیارد دلار معادل نصف درآمد نفتی کشور محصولات کشاورزی وارد می‌کند که با کشاورزی شهری کامل می‌توان خودکفا شد.کشاورزی شهری به تولید مواد غذایی در داخل شهر، پشت بام خانه‌ها، گلخانه‌های شهری اطلاق می‌شود که علاوه بر تامین غذا، برای مقابله با تغییرات آب و هوایی، تلطیف هوا، افزایش روحیه خانواده‌ها و ارتقای حس مشارکت جمعی مردم به‌ویژه کودکان و نوجوانان می‌شود.

■ اهمیت کشاورزی شهری در تأمین امنیت غذایی

رشد شهرنشینی و افزایش تقاضا برای مواد غذایی، ضرورت توسعه کشاورزی شهری را بیش‌ازپیش نمایان کرده. طبق برآوردهای بانک جهانی، تا سال ۲۰۵۰ میلادی بیش از ۶۸ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد، که این امر فشار زیادی بر زنجیره تأمین غذا وارد می‌کند. کشاورزی شهری با استفاده از روش‌هایی مانند کشت عمودی، هیدروپونیک (کشت بدون خاک)، و آکواپونیک (ترکیب پرورش ماهی و گیاه) می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، امنیت غذایی را بهبود ببخشد.

■ جایگاه جهانی کشاورزی شهری و کشورهای پیشرو

در حال حاضر، کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای درحال‌توسعه در زمینه کشاورزی شهری سرمایه‌گذاری گسترده‌ای کرده‌اند. چین با استفاده از گلخانه‌های هوشمند، سالانه بیش از ۳۰ درصد از سبزیجات مصرفی شهروندان خود را در محیط‌های شهری تولید می‌کند. هلند که یکی از قطب‌های صادرات مواد غذایی در جهان است، با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند نورپردازی LED و گلخانه‌های تمام‌اتوماتیک توانسته میزان تولید محصولات کشاورزی خود را است:

سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین: توسعه سیستم‌های کشت عمودی و گلخانه‌های هوشمند می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد.

اصلاح قوانین و سیاست‌گذاری‌های حمایتی: ارائه تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های آب و ایران با دارا بودن مساحت ۱٫۶۴ میلیون کیلومترمربع و شرایط آب‌وهوایی متنوع، ظرفیت بالایی برای توسعه کشاورزی شهری دارد. بااین‌حال، سهم ایران از کشاورزی شهری همچنان محدود است. در کلان‌شهرهایی مانند تهران، مشهد، اصفهان و شیراز برخی از پروژه‌های گلخانه‌ای و کشت‌های هیدروپونیک آغاز شده‌اند، اما هنوز تا استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود فاصله زیادی وجود دارد.

■ راهکارهایی برای توسعه کشاورزی شهری در ایران

کارشناسان معتقدند که برای افزایش سهم ایران از کشاورزی شهری، اقدامات زیر ضروری است:

آموزش و ترویج فرهنگ کشاورزی شهری: برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای شهروندان و راه‌اندازی پروژه‌های مشارکتی در مناطق شهری.

استفاده از فضاهای بلااستفاده شهری: تبدیل پشت‌بام‌ها، دیوارهای بلند و زمین‌های بایر شهری به فضاهای کشاورزی.

بر اساس برآوردهای کارشناسان، اگر ایران بتواند حداقل ۱۰ درصد از محصولات مصرفی خود را از طریق کشاورزی شهری تأمین کند، وابستگی به واردات محصولات کشاورزی کاهش یافته و امنیت غذایی کشور افزایش خواهد یافت.

میانگین الگوی جدید مصرف آب برای ۱۴۰۴ ابلاغ شد

سپهرغرب، گروه کشاورزی: مدیرکل دفتر مدیریت مصرف شرکت آب و فاضلاب کشور از ابلاغ الگوی جدید مصرف آب برای ۱۴۰۴ خبر داد و گفت: بر مبنای الگوی تعیین شده در سال گذشته، ۵۲ درصد واحدهای خانگی و ساختمانی در کل کشور، کمتر از الگو و ۴۸ درصد بالای الگوی تعیین شده، مصرف آب داشتند.

علی سیدزاده از ابلاغ میانگین الگوی جدید مصرف آب در سال ۱۴۰۴ خبر داد و اظهار کرد: بر این اساس، به‌صورت میانگین به ازای هر یک نفر ۱۳۰ لیتر در شبانه‌روز الگوی جدید تعریف و ابلاغ شده است.

وی با بیان اینکه میانگین الگوی مصرف آب در سال ۱۴۰۳ به ازای هر یک نفر ۱۵۰ لیتر در شبانه‌روز بود، افزود: بر مبنای الگوی تعیین‌شده در سال گذشته، ۵۲ درصد واحدهای خانگی و ساختمانی در کل کشور، کمتر از الگو و ۴۸ درصد بالای الگوی تعیین شده، مصرف آب داشتند.

مدیرکل دفتر مدیریت مصرف شرکت آب و فاضلاب کشور در این زمینه یادآور شد: حجم معادل مصرف آب مشترکان با مصرف کمتر از الگو (۵۲ درصد مشترکان) معادل ۲۸ درصد کل مصرف است، این در حالی است که حجم معادل مصرف آب در خصوص مشترکان بالای الگوی مصرف (۴۸ درصد مشترکان) ۷۲ درصد را شامل می‌شود.

سیدزاده یادآور شد: نکته مهم این است که اعداد عنوان‌شده به‌صورت میانگین در کل کشور تعیین شده ولی در الگوی ابلاغی جدید برای سال ۱۴۰۴ به تفکیک هر شهر و در مجموع برای ۱۴۰۰ شهر به تناسب بعد خانوار آن شهر و شرایط آب و هوایی الگوی متناسب تدوین و ابلاغ شده است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: هم‌اکنون میانگین سرانه مصرف آب برای هر ایرانی ۱۹۵ لیتر در شبانه‌روز است این در حالی است که الگوی مصرف (حد مجاز مصرف آب در شبانه‌روز) تعیین‌شده برای هر یک از افراد ۱۳۰ لیتر در شبانه‌روز تعیین شده است.

بنا بر این گزارش ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک دنیا واقع شده و بارش‌های آن به طور معمول یک سوم میانگین جهانی است، این در حالی است که روند تغییر اقلیم طول دوره خشک‌سالی‌ها را در کشور طولانی کرده، به طوری که در سال آبی جاری کشور وارد پنجمین سال خشک پیاپی خود شده است. بر این اساس حرکت به سمت رعایت الگوهای مصرف آب و سازگاری با شرایط کم‌آبی تضمین‌کننده پایداری آب در طول سال است.